

چرا طالبان و داعش که دو طرف یک سکه اند

به ملت نجیب افغان و انتقادات جوامع بین المللی تمکین نمی کنند.

میگویند مربی داری مربا بخور.

هموطنان عزیز بحضور شما عرض میدارم که امریکا، و بریتانیا هر دو مربیان طالبان و داعش برای پیشبرد اهداف خاص شان در خراسان قدیم که عبارت از قسمتهای کشورهای آسیایی مرکزی، جمهوری اسلامی ایران و افغانستان اند میباشند، و این کشورها نه تنها از منابع سرشاری زیر زمینی مخصوصاً پترول و گاذ طبیعی برخوردار اند بلکه کشورهای روسیه و چین که در همسایگی خراسان قدیم قرار دارند نیز از نگاه جیوپولتیکی برای امریکا و بریتانیا قابل اهمیت خاص اند.



نقشه خراسان قدیم.

من در این نوشته نمی خواهم به دسایس قبلی امریکا و بریتانیا که با تباری پاکستان در سالهای قبل از اکتوبر ۲۰۰۱م در افغانستان انجام داده اند بپردازم بلکه میخواهم مختصری از بعضی از دسایس امریکا، بریتانیا و پاکستان را که مادر وطنما را با عالم بدبختی ها بعد از اکتوبر ۲۰۰۱م دست با گریبان نموده کمی روشنی اندازم.

بلی امریکا و ناتو بعد از اشغال افغانستان در ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م در سال ۲۰۱۴م بعد از القاعده برای رسیدن اهداف خود در مناطق فوق الذکر گروهی جنایتکار دیگری را بنام داعش ایجاد و با پسوند خراسان در کشورهای که در محدوده خراسان قدیم اند بنام "داعش خراسان" و در کشورهای دیگر که از دایره متحدین امریکا و بریتانیا خارج اند بنام "داعش" نامیدند.

توجه شما را به قسمت از مصاحبه آقای داکتر زلمی خلیل زاد در پروگرام تحت عنوان ذیل جلب مینمایم، از بیانات آقای خلیل زاد چنین معلوم میشود که امریکا

از آغاز اشغال طرفدار صلح در افغانستان نبود بلکه طالبان برای اهداف امروزی در نظر گرفته شده بودند.

**Afghanistan envoy Zalmay Khalilzad on dealing with Taliban-
INTELLIGENCE MATTERS** *MICHAEL MORELL*FORMER ACTING DIRECTOR OF
THE CIA. Updated on: December 1, 2021/7:17AM/EST/CBS.

خلاصه مصاحبه فوق الذکر این است که طالبان بعد از رانده شدن نشان از افغانستان طی نامه ای به حامد کرزی رایش دولت موافقت افغانستان از تابعیت طالبان به دولت اطلاع داد، مشروط بر اینکه برای شان اجازه داده شود که به محلات خود برگردند و زندگی خود را دوام بدهند و قرار اظهار حامد کرزی بعد از اجازه او نامه در یکی از رادیو های محلی قندهار نیز خوانده شد. اما بعداً وقتی خلیلزاد بحیث نماینده خاص رایش جمهور جورج دبلیو بش سپس بحیث سفیر امریکا به افغانستان مقرر شد رایش جمهور جورج دبلیو بش چندین بار برایش گفت که به طالبان اجازه برگشت به افغانستان داده نشود که من میخواهم آنها را به عدالت بسپارم.

حال سوال در اینجا است که چرا در ابتدا برای طالبان به کانفرانس بن اجازه اشتراک داده نشد و سپس که طالبان تقاضای کتبی برگشت خود را به حامد کرزی ارائه داشتند چرا رایش جمهور جورج دبلیو بش به درخواست تابعیت طالبان با حامد کرزی موافقه نکرد؟ و سپس برای همان طالبان تروریست که میخواستند به عدالت سپرده شوند در دوره رایش جمهور اوباما در (۲۰۱۴ م) با ایجاد دفتر در دوحه قطر حکومت دیفکتو ایجاد و به آغاز مذاکرات آنها را مشروعیت دادند، سپس در دوره ریاست جمهوری داندل ترمپ با همان طالبان تروریست برای فریب جهان که طالبان همان طالبان نیستند که قبل از ۲۰۰۱ م بودند پاهای شان را با به اصطلاح سیاسیون افغانستان به فدراسیون روسیه، جمهوری خلق چین و ایران کشانید همچنان با آنها در دوحه قطر موافقه صلح را امضاء و جو بایدن رایش جمهور فعلی امریکا قوای خود و ناتو را بدون خواست ملت مظلوم افغان که در بیست سال اشغال افغانستان علرغم جنایات شان امیدی برای آینده درخشان داشتند غیر مسولانه از افغانستان اخراج و عالم مصیبه های غیر قابل تصور انسانی و بشری را الی امروز بالای ملت مظلوم و ستم دیده افغان نازل نمودند.

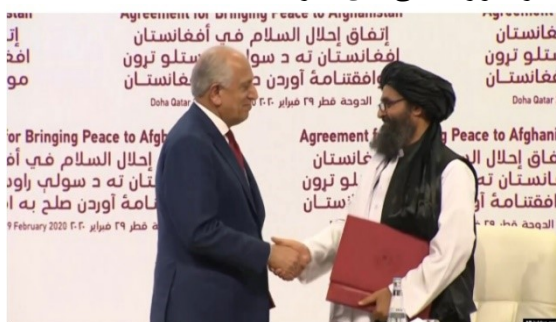
حال سوال در اینجا است که آیا با قبولی درخواست ارسالی طالبان به جناب حامد کرزی برای اجازه برگشت شان به افغانستان از مصارف چندین تریون دالر امریکایی و متحدینش صرفه جویی نمی شد؟ و نیز از کشتار چندین هزار عساکر خودشان و بیش از (۲۶۰۰۰۰) قوای نظامی و امنیتی افغان و بیش از صد هزار مردم مظلوم و بی دفاع افغان در عملیات جنوساید شان جلوگیری نمی شد؟ آیا از انواع فجایع باور ناشدنی بعد از ۱۵ آگست ۲۰۲۱ م که الی امروز در مادروطنما افغانستان دوام دارد جلوگیری نمی شد؟ آیا افغانستان امروز یک کشور نسبی مترقی و پیشرفته در فضای صلح و امنیت در منطقه و جهان نمی بود؟.

نخیر یکی از اینها برای رایش جمهور جورج دبلیو بش و رایسان جمهور بعدی امریکا اهمیت نداشت، بلکه حفظ پاکستان بحیث همکار ستراتیجیکی خود برای توسعه طلبی و رسیدن شان به کشورهای خراسان قدیم و موافقت جویولتیکی خارج از حلقه متحدین شان بود و میباشد. یعنی نزدشان دیموکراسی، حقوق بشر، آزادی، خوشبختی ملت افغان، حاکمیت ارضی و ملی افغانستان ارزش نداشت و ندارد صرف منافع خودشان در منطقه و فرا منطقه بود و میباشد، در ذیل از قول دو نویسنده امریکایی بنام Steve Coll and Adam Entous که به تفصیل در مقاله

مورخ ۱۵ جنوری ۲۰۲۲م اینجانب تحت عنوان (دیپلوماسی مخفی ایالات متحده در شکست افغانستان) به نشر رسیده به توجه شما میرسانم.

"در سال ۲۰۰۹م، بایدن به حیث معاون رایس جمهور با کرزی، رایس جمهور وقت افغانستان ملاقات کرد، کرزی برایش گفت آقای معاون رایس جمهور، زیاد تلاش کنید که پاکستان از حمایه خود به طالبان خاتمه دهد، قرار اظهارات کرزی و اشخاص دیگری که در مجلس حضور داشتند بایدن در جواب گفت پاکستان برای اضلاع متحده امریکا ۵۰ چند بیشتر نسبت به افغانستان اهمیت دارد."

به قسمت از موافقه مورخ ۲۹ فیبروری ۲۰۲۰م دوحه که بین امریکا و طالبان امضا گردیده در ذیل توجه هموطنان عزیز را جلب می نمایم و اینکه چرا طالبان نه به صدای مظلومانه ملت افغان و نه صداهای مراجع غیر افغانی و بین المللی نه تنها تمکین نمی کنند بلکه با جرأت اعضای رهبری طالبان اظهار میدارند که اعمال همه جنایات غیر انسانی و بشری شان موضوع داخلی شان است و هیچ مرجع حق مداخله را در امور داخلی شان ندارند.



داکتر زلمی خلیلزاد با ملا عبدالغنی برادر بعد از امضای موافقه صلح در دوحه قطر.
مورخ ۲۹ فیبروری ۲۰۲۰م برابر با ۵ رجب ۱۴۴۱ قمری.

لینک متن مکمل موافقه دوحه.

https://en.m.wikisource.org/wiki/Agreement_for_Bringing_Peace_to_Afghanistan

هموطنان عزیز در موافقه ملاحظ میفرماید که مریدان شان که موافقه را با ایشان امضا نموده اند و ملت افغان و افغانستان را با اخراج عجولانه و غیر مسوولانه خود قربانی دست با گریبان نمودن روسیه با اوکراین بود و برای فریب ملت افغان و جهان در این کانفرانس و آن کانفرانس ویا با ظاهر شدن وزیران خارجه و یا سخنگویان شان در مقابل خبرنگاران برای فریب اذهان عامه با لفاظی اعمال غیر بشری طالبان را محکوم و با چشم پوشی از تمام جنایات طالبان از آغاز ورود شان بکابل با خاک زدن به چشمان ملت مظلوم افغان و جهانیان میگویند که ما طالبان را برسمیت نمی شناسیم تا به حقوق و آزاد یهای زنان احترام نگرارند.

همچنان از منابع مختلف چون مصاحبات تلویزیونی با شخصیت‌های دانشمند افغان و یا غیر افغان همچنان در کانفرانسهای افغانی که در خارج از مادروطن بنام مصالحه ملی، راه بیرونرفت از حالت موجوده و حتی در بعضی کانفرانسهای

بین المللی از انواع تخطی های حقوق بشری طالبان حرفها زده میشود و نیز زنان قهرمان افغانما در داخل و خارج از کشور بدون هراس مظاهرات و تحصنها را برپا و اعمال طالبان را محکوم کرده و میکنند که البته این همه اقدامات هموطنان قابل قدر و ستایش است اما هیچگاه از خود و یا دیگران نمی پرسند که مشکل اصلی در کجا است؟ و یا اگر میدانند چرا در مورد حرف نمی زنند؟ چرا طالبان با این جرأت از اعمال غیر انسانی، غیر اسلامی، غیر بشری، غیر افغانی و غیر دیموکراتیک خود بنام اینکه این همه موضوعات داخلی شان است دفاع میدارند؟

برادران و خواهران عزیز هموطنم باید عرض نمود که مسوال همه این جنایات طالبان در مدت تخمین سه سال گذشته مربی طالبان یعنی رهبران اضلاع متحده امریکا میباشند که در موافقتنامه دوحه برای رسیدن اهداف شان از افغانستان در خراسان قدیم و کشورهای خارج از متحدین امریکا برای طالبان در امور داخلی صلاحیت عام و تام داده شده یعنی هر جنایتی را که توسط طالبان در افغانستان انجام میدهند برای رسیدن اهداف شان از آن چشم پوشی میکنند و خواهند کرد.

توجه هموطنان عزیزم را به سه ماده موافقتنامه ننگین و غیر عادلانه موارخ ۲۹ فیرووری ۲۰۲۰م امریکا با طالبان که در دوحه قطر امضا گردیده جلب و قضاوت را به شما میگذارم.

PART-ONE

متن انگلیسی

F

• **The United States and its allies will refrain from the threat or the use of force against the territorial integrity or political independence of Afghanistan or **intervening in its domestic affairs.****

PART TWO

In conjunction with the announcement of this agreement, the Islamic Emirate of Afghanistan which is not recognized by the United States as a state and is known as the Taliban will take the following steps to prevent any group or individual, including al-Qa'ida, from using the soil of Afghanistan to threaten the security of the **United States and its allies:**

PART THREE

- 1. The United States will request the recognition and endorsement of the **United Nations Security Council for this agreement.****

ترجمه

قسمت اول

F - ایالت متحده و متحدانش از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی افغانستان یا مداخله در امور داخلی آن خودداری خواهند کرد.

قسمت دوم

در ارتباط به اعلام این موافقتنامه، امارت اسلامی افغانستان که توسط ایالات متحده به عنوان یک کشور به رسمیت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود، اقدامات زیر را برای جلوگیری از استفاده هر گروه یا فرد، از جمله

القاعده، از خاک افغانستان برای تهدید امنیت ایالات متحده و متحدان آن انجام خواهد داد:

قسمت سوم

ایالات متحده درخواست ای از شورای امنیت ملل متحد مبنی به رسمیت شناختن و تأیید توافقنامه خواهد کرد.

هموطنان معزز و نهایت گرانقدر اگر لطف فرموده به سه ماده فوق الذکر موافقتنامه صلح امریکا با طالبان که به تأیید شورای امنیت رسیده توجه فرمایید، نه تنها ملت شریف و مظلوم بید فاع افغان را دست و پا بسته به طالبان تروبیست جنایتکار تسلیم و قبل از روز آخرت گناهکار و بیگناه را در دوزخ انداخته اند. بلکه دست و پاهای حریفان خود یعنی فدراسیون روسیه، جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران را نیز از مداخله در امور افغانستان زیر سلطه طالبان بسته اند یعنی:

۱- در موافقتنامه، امریکا تعهد نموده که نه تنها به افغانستان زیر سلطه طالبان تجاوز نمیکند بلکه امریکا و متحد بنش در امور داخلی طالبان نیز مداخله نمیکند.

۲- از طالبان در موافقتنامه تعهد گرفته شده که به امریکا و متحدینش از القاعده و (داعش خراسان) که در لفافه بنام هر گروه و یا فرد نامیده شده برای جلوگیری از خاک افغانستان برای تهدید امنیت ایالات متحده و متحدانش انجام خواهد داد. یعنی بصورت غیر مستقیم برای طالبان اجازه داده شده که میتوانند از القاعده و (داعش خراسان) در کشورهای خراسان قدیم، فدراسیون روسیه، جمهوری خلق چین که متحدین امریکا نمیباشند استفاده نمایند، و برای برآورده شدن همین هدف خارج از موافقه دوحه با تفاهم خصوصی که با طالبان صورت گرفته برای طالبان در هر هفته ۴۰ میلیون دالر امریکای برای تهیه مهمات جنگی، لوجیستیکی گروه داعش خراسان در داخل افغانستان به طالبان پرداخته میشود.

۳- برای تصویب موافقتنامه ننگین و شرم آور امریکا با طالبان در شورای امنیت ملل متحده یک سال قبل از امضای توافقنامه پای طالبان و به اصطلاح سیاسیون افغان را به کانفرانسهای کشورهای فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین که هر دو اعضای دایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد اند کشانید، تا با وعده های لفظی طالبان برای شان اطمینان داده شود که طالبان تغیر نموده اند و هیچ تغیری در نظام جمهوری اسلامی افغانستان وارد نخواهند شد ذهنیت هر دو عضوه دایمی شورای امنیت ملل متحد را آماده قبولی موافقتنامه دوحه در شورای امنیت ملل متحد نمودند، این کار باعث شد که بعد از ورود طالبان برای جلوگیری تطبیق پلان امریکا در کشورهای خراسان قدیم، فدراسیون روسیه و جمهوری چین آنها مجبور به تعامل با طالبان کردند که الی امروز کجدار و مریز به پیش میرود و امروز امریکا میخواهد یک قدم فراتر بردارد که در عوض تعامل تعادل را با طالبان آغاز کند.

حال میخواهم خسته و جسته قسمتهای از مقاله (Steve Coll and Adam Entous) را که به تفصیل در مقاله اینجانب تحت عنوان (دیپلوماسی مخفی ایالات متحده در شکست افغانستان) بتاريخ ۱۵ فیوروری ۲۰۲۲م در ویبسایتهای وزین خارج مرزی و فیسبک به نشر رسیده و بیانگر زمینه سازی سقوط جمهوری اسلامی افغانستان و قدرت رسانیدن طالبان میباشد نقل و به توجه شما برسانم.

"اولین تلاش جدی برای مذاکره با طالبان را در نومبر ۲۰۱۰م آغاز کردند. یعنی طالبانی را که ۹ سال قبل از آن، توسط ایالات متحده سرنگون شده بودند، یعنی طالبانی را که به تروریستهای القاعده مسول حملات ۱۱ سپتمبر بودند و پناه داده بودند" (ص-مقاله ۴)

"بحث ها و تصامیم در واشنگتن، کابل و دوحه که منجر به سقوط جمهوری اسلامی گردید عمدتاً در پنهان بود، صدها صفحه یادداشت‌های مجالس، مسوده ها، متن ها، ایمیل ها و اسناد، یا مصاحبه های گسترده با مقامات افغان و آمریکایی، از همان ابتدا سوابق دلخراشی از قضاوت نادرست، غرور و توهم ارایه میکرد". (ص۴مقاله)

" در اواخر ۲۰۱۱م حامد کرزی در ملاقات بالای سفیر ایالات متحده امریکا فریاد کشید و گفت " شما من را فریب دادید" بالاخره رایس جمهور اوپاما با گذاشتن احترام به کرزی مذاکرات را تعقیب نکرد. و در اواسط ۲۰۱۳م مذاکرات با طالبان قطع و اوپاما قبل از ختم دوره اش تعداد قابل ملاحظه عساکر خود در افغانستان یعنی صد هزار عساکر خود را خارج و تنها هشت هزار و چهار صد (۴۸۰۰) نفر از عساکر خود را با عساکر افغان برای مبارزه با القاعده در افغانستان باقی ماند". (ص۴مقاله)

" در اکتوبر ۲۰۱۸م، خلیل‌زاد به کابل رفت، جای که با غنی در قصر ارگ ملاقات کرد، محوطه ای به وسعت هشتاد و سه جریب دفاتر و اقامتگاه رایس جمهور افغانستان بود، آنها نزدیک به پنجاه سال بود که یکدیگر را می شناختند. به عنوان نوجوانان در کابل در طول اواخر دهه ۱۹۶۰م، آنها تحت پروگرام دوجانبه امریکا به پوهنتون فیلد سرویس آمریکایی یکجا شدند. (غنی به دریاچه آسو اورگان رفت و خلیل‌زاد به سریس کالفورنیا) در طول سالها، به گفته دیپلمات های آمریکایی که با آنها کار میکردند، رابط آنها شبیه به رقابت خواهر و برادر شد. زمانی که غنی در سال ۲۰۱۴م نامزد ریاست جمهوری شد، نشانه های معلوم میشد که خلیل‌زاد ممکن است در حال بررسی پیشنهاد خود باشد که خلیل‌زاد آنرا رد کرد. در جلسات به زبان دری و انگلیسی شوخی می کردند. در مجالس خصوصی هرکدام متقاعد به نظر می رسید که هر دو از غرور و جاه طلبی بیش از حد رنج می برند". (ص۵مقاله)

" طالبان از سالها بصورت مجازی در مناطق مختلف روستایی حکومت میکردند، اما هرگز آنها را فتح نکرده بودند، اما هیچگاه موافق نشدند که قسمت قابل ملاحظه شهر ها را تسخیر کنند، ناتو و بعداً نیروی هوایی افغانستان انحصار نیروی هوایی را در اختیار داشتند. طالبان هیچ هواپیمای جنگی و موشکهای ضد هوایی موثر را برای ارتفاعات بلند نداشتند، اما میتوانستند هلیکوپترها و هواپیماهای کم ارتفاع را توسط سلاحهای خفیف سقوط دهند. زمانی که طالبان برای یک حمله بزرگ جمع می شدند، یا در بعضی مواقع برای مدت محدودی شهری را تصرف می کردند، در برابر حملات هوایی ویرانگر آسیب پذیر قرار میگرفتند. پس از سال ۲۰۱۸م زمانی که میلر فرماندهی "حمایت قاطع" را بر عهده گرفت، نیروهای غنی را تشویق کرده که نیرویهای نخبه را برابر نموده و با نیروهای ویژه هوایی پشتیبانی شوند. الی سال ۲۰۲۱م پرسونل نیروی هوایی افغانستان هشت هزار و بیش از صد و هشتاد هواپیما بود. (ص ۵ مقاله)

"پس از اعلام بایدن میلر شروع به خروج سربازان امریکایی از کشور کرد. همچنان قراردادبان بین المللی را که از هیلکوپترها و هواپیما های جنگی افغانستان نگهبانی

میکردند نیز خارج کرد. میلر گفت "شرکتها بیکه حمایه امریکا و ناتو را نداشته باشند نیز از مردم محافظ نخواهد توانست" (ص-۱۵ مقاله)

"در ماه می گذشته، یاسین ضیا، لوی درستیز و سرپرست وزارت دفاع متوجه شد که فرماندهی مرکزی ایالات متحده امریکا که مسول فرماندهی جنگ افغانستان بود، تلاش میکرد که "با استخدام متخصصین در دوحه حفظ و مراقبت را از طریق ویدیو، بر روی ipad انجام نماید." "آنها گفتند میخانیک طرف ما مقابل زوم می نشستند و شخص قطری برایش میگوید که این را بکن و آنرا بکن، ضیا به یاد می آورد که مرکز قوماندان نیز پلان داشت شاپ ترمیم طیارات را هزاران مایل دور در امارت عربی افتتاح کند. اما هلیکوپتر های افغان نمیتوانست چنان فاصله دور را پرواز کند. و نیز باید از فضای پاکستان عبور میکردند که آن نیز ایجاب مذاکره با نیروی امنیتی پاکستان را میکرد، که آن خود مشکلی بود. یک مقام ارشد وزارت خارجه شرکت کنندگان گفت که تا ماه جون "ما شاهد خواهیم بود که هیچ چیزی در آنجا باقی نخواهد ماند" که طیارات افغانی پرواز کنند. به اساس اظهار یک مقام بلند پایه وزارت دفاع، قطع نظر از ترمیم، ما ترک میکنیم." همه نیروی نظامی افغان چنان دیزاین گردیده بود که بدون سیستم و متخصصین امریکا میچرخید. وقتی آنها از بین رفت چیزی در آنجا وجود نخواهد داشت." (ص ۱۵ مقاله)

"بتاریخ ۶ اگست طالبان زرنج مرکز ولایت نیمروز را که در جنوب افغانستان قرار دارد در تصرف خود در آوردند. روز بعد سفارت امریکا از همه اتباع امریکایی خواست تا افغانستان را ترک کنند. دفتر غنی به انتشار گزارش های پیشرفت در شبکه های اجتماعی را میداد، در مورد حرکت مدرنیزاسیون افغانستان، بیانه های مطبوعاتی دور از واقعیتها بود. اکبر رایس کمیسیون حقوق بشر گفت که تظاهر به عادی بودن روزمره شبیه به تکرار نشر عین موضوع از طریق میکانیزم اتوماتیک باشد." بتاریخ ۱۰ اگست، صفحه رسمی غنی در فیسبک خود، پروژه های زیربنایی جدید، را از جمله شهر قندوز در شمال که در آن بیرق طالبان در اهتزاز بود اعلان کرد. (ص ۱۷ مقاله)

"قصر ارگ و سفارت ایالات متحده به اصطلاح در منطقه سبز کابل بودند که توسط دیوار های قوی غیر قابل انفجار و محافظان مسلح، محافظت و خیابان ها را از طریق دوربینهای بسیار پیشرفته نظامی مجهز نظارت میکردند. حدود ساعت نوه صبح همان روز راس ویلسن، سازدافیر ایالات متحده در کابل، از گزارش های مختلف به این نتیجه رسید که تعداد زیادی از پولیس و محافظین مواضع خود را ترک و منطقه سبز محافظوی بکلی سقوط نموده، او با واشنگتن مشوره کرد و فوری امر انتقال عساکر باقیمانده و کارکنان سفارت امریکا را به میدان هوای کابل انتقال داد. برای اینکه طالبان و دولت اسلامی از موضوع اطلاع حاصل نکنند، ویلسن غنی را از اینکه منطقه سبز مصون نیست و از تصمیم خود که سفارت خود را تخلیه کرده اند اطلاع نداد، وزارت دفاع لست جنرالان بلند رتبه افغان را که در صورت لزوم خارج از کشور شوند ترتیب داده بود، اما پنتاگون اخراج احتمالی غنی را مربوط وزارت خارجه میدانست، به اساس گفتاریک مامور وزارت خارجه موضوع بشکل رسمی هیچگاه مطرح نشد. (ص ۲۹ مقاله)

"در اواخر جولای بود که غنی و محب بار اول در مورد احتمال مجبور شدن آنها به ترک وطن صحبت کردند. یکی از اولویت های غنی این بود که مجموعه کتاب هایش را از خطر نجات دهد. ترجیح او این بود که از پایتخت به شرق افغانستان عقب نشینی کند که در آنجا متحدان سیاسی و نظامی داشت. محب فکر میکرد که اگر لازم باشد به خارج از کشور برود تاجکستان و ازبکستان بحیث انتخاب اولی بسیار مواجه به نظر میرسید، زیرا هر دو توسط یکی از چهار هلیکوپتر M-17 رایس جمهور به مرجع اولیه

میرسند. در ماه آگست، محب از قهار کوچی، قومندان گارد رایس جمهور افغانستان، خواست تا برای حالت غیر مترقبه ترتیبات لازمه را مطابق پلان وضع شده اتخاذ نماید، اما وقتی طالبان به حومه کابل رسیدند اخراج امریکایی ها و متحدین افغان را سرعت بخشید، محب و غنی دیگر از واشنگتن انتظار اخراج شان را نداشتند. (ص ۱۹-مقاله)

"۱۵ آگست یک صبح گرم بود. در حوالی ساعت یازده، محب با رایس جمهور و یک دیپلمات کشور امارت متحده پیوست و در فضای باز روی چمنزار کنار دفتر رایس جمهور که محل ملاقات خارج دفتر میبود در مورد طرح احتمالی اخراج خود بحث میکردند تعداد کثیری از هلیکوپترهای امریکایی شینوک و بلک هاک را در افق میدیدند که صدای موتورهای آنها از فاصله دور بسیار خفه کن کننده بود، سپس صدای تیر اندازی را جایی خارج از محوط قصر شنیدند. محافظان غنی تلاش کردند تا او را به داخل رهنمایی کنند. (ص ۲۰ مقاله)

"ظهر محب با غنی در کتابخانه اش پیوست. آنها موافقت کردند که رولا، همسر غنی و کارکنان غیر ضروری به زودترین فرصت به امارت متحده انتقال شوند، مرجع ارتبائی امارت با محب چوکپها را در طیاره امارت که قرار بود ساعت چهار بعد از ظهر از کابل پرواز کند قبول کرد. غنی از محب خواست که رولا را الی دویی همراهی کند و سپس با هیأت مذاکره در دوحه بپیوندد تا مذاکرات تسلیمی کابل را با خلیزاد و ملا برادر نهایی سازد" (ص ۲۰ مقاله)

"حوالی ساعت یک محب پیام تکست از خلیل حقانی یکی از رهبران گروپ طالبان که بنام فامیلی اش یاد میشد گرفت، خواست که با او صحبت کند او پیام را از یک نمبر پاکستان گرفت، پیام حقانی، را محب بخاطر دارد، این بود که تسلیم شو، او گفت که آنها می توانند پس از صدور بیانییه مقتضی با محب ملاقات کنند، وقتی محب گفت ما اول مذاکره نمایم، حقانی گفتار خود را تکرار و تلفون را قطع کرد، محب تام وست معاون خلیزاد را در دوحه تلفون کرد تا او را از تلفون مطلع سازد، تام وست برایش گفت به هیچ جا به ملاقات نروی ممکن تلکی برایت باشد." (ص ۲۰ مقاله)

"محب در حدود ساعت دو به محل اقامت غنی بازگشت او و رولا را در یک موتر به ایستگاه ای هلیکوپتر در پشت قصر دلکوشاه همراهی کرد، قرار بود به میدان هواهی بین المللی حامد کرزی پرواز و خود را به پرواز امارت برسانند، از جمله چهار هلیکوپتر M-17 ریاست جمهوری سه پروند در ارگ و چهارم در میدان هواهی بین المللی کرزی بود. او متوجه شد که پیلوتهای هلیکوپترها مواد سوخت کافی در هلیکوپترها انداخته اند زیرا میخواستند آنها نیز به اسرع وقت چون پیلوتهای نظامی که در روزهای اخیر به تاجکستان یا ازبکستان پناه برده بودند پرواز کنند بودند، پیلوتان نمی خواستند با رولا به میدان هواهی بروند، زیرا گزارش هایی دریافت کرده بودند که سربازان سرکش افغان ممکن هلیکوپترها را متوقف یا مانع پرواز شوند. کوچی، قومندان گارد ریاست جمهوری به محب نزدیک شد، او گفت "اگر شما بروید جان رایس جمهور در خطر خواهد بود" محب پرسید میخواهی بمانم؟" (ص ۲۰ مقاله)

"نه، من از شما می خواهم که رایس جمهور را با خود ببرید." (ص ۲۱ مقاله)

"محب تردید داشت که در صورت ورود طالبان به محوط قصر، تمام محافظان غنی وفادار بمانند، و کوچی اشاره کرد که او ابزاری برای محافظت از رایس جمهور ندارد. محب به رولا کمک کرد تا سوار هلیکوپتر رایس جمهور شود و از او خواست صبر کند او با کوچی به سواری موتر به محل اقامت رایس جمهور برگشت." (ص ۲۱ مقاله)

"او غنی را پیدا کرد که در داخل ایستاده بود و دستش را گرفت." آقای رایس جمهور، زمان آن فرا رسیده که باید برویم غنی میخواست برای جمع آوری وسایل به منزل بالا برود، اما محب نگران بود که به تأخیر افتادن هر دقیقه آنها، خطر آن می‌رود که محافظین دست و پاچه شده دست به شورش بزنند، غنی بدون پاسپورتش سوار موتر شد." (ص ۲۱ مقاله)

"حدود ساعت دو نیم. پیلوتها انجنهای سه هلیکوپتر M-17 باقیمانده را روشن بالای باغ ارگ پرواز و از فضای کابل به سمت شمال بطرف شهرای سالنگ و فراتر از آن به دریایی آمو و ازبکستان رفتند." (ص ۲۱ مقاله)

باید فراموش نکرد، برای اینکه از جنگ داخلی جلوگیری کرده باشند دو روز قبل از داخل شدن طالبان تعدادی از جنایتکاران دوره به اصطلاح مجاهدین به استثنای داکتر عبدالله عبدالله که رایس کمیسیون صلح بود و انجنیر گلبدین حکمتیار که الی داخل شدن طالبان از آنها حمایت میکرد به نام مذاکرات به پاکستان دعوت و از افغانستان خارج گردیدند، که این دعوت قبل داخل شدن طالبان به کابل تصادفی نبوده بلکه پلان شده بود.

هموطنان نهایت گرانقدر امید از مطالب فوق الذکر که مختصری از داستان رانده شدن طالبان تروریست بتاريخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م الی بقدرت رسانیدن مجدد همان طالبان تروریست بتاريخ ۱۵ اگست ۲۰۲۱م آگاهی حاصل و معتقد شده باشید که از آغاز الی امروز همه دسیسه و پلان شوم رهبران اضلاع متحده امریکا، بریتانیا بوده که برای منافع جویولیتیکی و جوستراتژیکی شان در منطقه با تباری پاکستان طراحی و پیشبرده میشوند، یعنی اینها مسول همه جنایات طالبان خونخوار وحشی قرن حجر میباشند که بدون اعتنا به ناله ها و فریادهای ملت مظلوم افغان و منابع بین المللی تمکین نمیکند، و مری شان یعنی اضلاع متحده امریکا در این روزها از طریق کاردار سقارت خود کرن دیگر بصورت غیر مستقیم برای آزادی گروگان امریکایی از قید طالبان برای نزدیک شدن به رسمیت شناختن طالبان پای را یک قدم فراتر از تعامل بنام تعادل نزدیک میسازند، این قلم در حالیکه طالبان را به عمل گروگان گرفتن امریکایی جدی تقبیح و محکوم میکنم، همچنان طراحین موافقتنامه دوحه که مریبان اصلی طالبان میباشند و مسبب همه جنایات غیر انسانی، غیر بشری، غیر اسلامی، غیر افغانی و غیر دیموکراتیک شده اند جدی محکوم می کنم.

هموطنان گرانقدر حال سوال در اینجا است که ملت مظلوم افغان برای نجات خود از شر این شیاطین بزرگ چه باید کرد؟

خواهران و برادران نهایت عزیز و رنج دیده هموطنم لطفاً فرصت را به انتظار تجاوز امریکا یا متحدینش و بر جیدن گلیم طالبان ضایع نکنید چه اضلاع متحده نه تنها در موافقتنامه دوحه به طالبان اطمینان داده اند که اضلاع متحده امریکا و متحدینش از تجاوز و زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی افغانستان استفاده نمیکند، بلکه منتظر فرصت به رسمیت شناختن طالبان است.

همچنان لطفاً چشم امید را به جنایتکارانکه با ورود شان از پاکستان در سال ۱۹۹۲م قلب مادروطن (کابل) را با عالم جنایات و غارتگریهای غیر قابل تصور به خاک و خون کشانیدند و امروز عده شان بنام سیاسیون در خارج از کشور زیست میکنند و گاه گاهی اجتماعات و کانفرانسها را دایر و صدای خود را بلند میکنند نداشته باشید چه آنها بار دیگر میخواهند مادروطن عزیز ما را در جنگ داخلی خراب و سرمایه های ملی ما را بغارت ببرند.

خواهران و برادران عزیز هم میهن، بحضور شما عرض میدارد که برای احقاق حقوق مشروع خود به جز از اتحاد و همبستگی آهنین ملی زنان و مردان قهرمان افغان در هر

شغل و کاری که مصروف اند راه دیگری به جز از انقلاب مسالمت آمیز عدم خشونت ملی بنام نامی افغان و مسلمان نیست، یعنی برای آزادی و دیموکراسی واقعی مطابق شرایط اجتماعی افغانستان به پا برخاسته نه تنها اعمال غیر انسانی و بشری طالبان را محکوم و تقاضای جدی اعاده حقوق حقه و مشروع خود شوند، همزمان مربی طالبان را که اضلاع متحده امریکا میباید و موافقتنامه دوحه را با طالبان امضاء نموده جدی محکوم و باید با صدای رسا و بلند از امریکا تقاضا نمایند که لطفاً طالبان را به هر میکانیز که میشود مجبور سازند که به صداها و نعره های مظلومانه ملت شریف افغان و مراجع مختلف بین المللی بشری تمکین نمایند چه شما مسول تمام جنایات طالبان در افغانستان میباشید:

و نیز از خواهران و برادران افغانم که خارج از دامان مادر وطن در کشور های میزبان خود زیست میکنند خواهش میکنم که مظاهرات و تحصنهای منسجم مسالمت آمیز و عدم خشونت را در مقابل سفارتهای اضلاع متحده امریکا، قصر سفید که موافقتنامه دوحه را با طالبان امضا و دست باز به اعمال جنایاتکارانه شان در مادر وطنما داده اند جدی محکوم و تقاضای راه بیرون رفت را برای قطع همه جنایات طالبان که ملت افغان هر روزه با آن دست با گریبان اند دریافت نمایند.

و نیز شورای امنیت سازمان ملل متحد را که بدستور اضلاع متحده امریکا موافقتنامه به اصطلاح صلح را تأیید نموده اند محکوم و جدی تقاضای دریافت راه حل آبرومندانه و معقول که مطابق آرزوهای اکثریت قاطع ملت افغان باشد برای نجات ملت افغان از شر شیاطین دست نشانده اضلاع متحده امریکا دست به اقدام و به رنجها و دردهای ملت مظلوم افغان خاتمه داده شود تا در فضای صلح در چوکات هدایات قانون اساسی که جوابده همه نیاز مندیهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی ملت افغان مطابق شرایط افغانستان در جهان امروزی باشد شوند.

ملت شریف و رنجدیده افغان لطفاً به خاطر خداوند متعال و رنج های ملت مظلوم و ستمدیده افغان برای رسیدن اهداف ذیل این مشت آهنین متحد و یک پارچه شوید.

